

مفهوم سیورغال به مثابه کلید فهم مالکیت ارضی در دوره‌ی تیموری

رضا حبیبی نژاد^۱

چکیده

نظام سیورغال به عنوان شکل اصلی زمین‌داری در زمان تیموریان، دارای قوانین و ویژگی‌های خاص خود است. واگذاری سیورغال که از زمان مغولان در ایران رایج شده بود در زمان تیموریان به اوج خود رسید؛ در زمان تیمور کمتر و از زمان جانشینش شاهرخ بسیار مورد توجه قرار گرفت. صاحب سیورغال دارای امتیازات ویژه‌ای مانند معافیت مالیاتی، آزادی دیوانی و نظامی، اخذ مالیات و غیره بود. سیورغالات که فرامینی موروثی محسوب می‌شدند، باعث قدرت‌یابی صاحبان خود شدند و صاحبان سیورغال به‌زودی طبقه ثروتمند و قدرتمندی را شکل دادند که منشأ بسیاری از تحولات اقتصادی و اجتماعی عصر تیموری قرار گرفتند.

کلید واژه‌ها: سیورغال، تیموریان، مالکیت، صاحبان سیورغال.

^۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه شیراز.

مقدمه

مالکیت و به ویژه مالکیت ارضی از قدیمی‌ترین حقوق در جوامع انسانی بوده است. بزرگترین مرافعات بشری بر سر این موضوع رخ داده و شالوده فرهنگ و تمدن همه ملت‌ها بر اساس مناسبات مربوط به آن پی‌ریزی شده است.

مالکیت ارضی در ایران روند پر پیچ و خمی را پشت سر گذاشت و با ورود اقوام مختلف، مانند آریایی‌ها، اعراب، ترکان مغولان دچار دگرگونی‌هایی گشت، اما در تمام دوران مهم‌ترین مالک در ایران پادشاه بوده است. اکثر زمین‌های قابل کشت و زرع تحت عناوین اراضی دولتی و اراضی خالصه در دست شاه و دولت بوده است و املاک خصوصی درصد کمی از زمین‌های کشاورزی را شکل می‌دادند.

طی قرون متمادی نوع اصلی مالکیت خصوصی بر زمین به صورت واگذاری زمین بود. این حالت اقطاع و یا تیول خوانده می‌شد که در واقع یک نوع مالکیت موقت محسوب می‌شد. در چنین مالکیتی زمین یا عایدات آن توسط شاه به صاحب منصبان حکومتی، سران نظامی و دیگران واگذار می‌شد. این واگذاری‌ها در عوض خدمات تهیه سپاه یا به جای حقوق و دستمزد، به عنوان حقوق بازنشستگی و یا به عنوان هدیه اعطا می‌شد. در هر صورت مالک می‌توانست زمین را تا زمانی که شاه می‌خواست، نگهدارد و شاه می‌توانست در هر لحظه زمین را پس بگیرد و مجدداً واگذار کند.

در نتیجه ظهور و سقوط پادشاهی که در ایران امری متداول و متعارف بوده است، فشارهای اقتصادی و نیز نارضایتی و تمایل مردم برای اصلاحات و غیره، تغییراتی در ترکیب این زمین‌داری به وجود آمد.

سیورغال شکل پیشرفته‌ای از اقطاع محسوب می‌شود که در دوره تیموری خصوصاً پس از مرگ تیمور شکل اصلی مالکیت محسوب می‌شود. شاهرخ تیموری با اتخاذ سیاست سنجیده و آگاهانه‌ای روند واگذاری اراضی را در پیش گرفت و حکومت خود را به خراسان محدود و

مالکان متعدد و بزرگی را به وجود آورد. با این عمل حکومت متمرکز تیمور، فروریخت و حکومت تیموریان به تعدادی املاک سیورغال تحت نفوذ صاحبان آنها تبدیل شد. صاحبان سیورغال که از امتیازات متعددی برخوردار بودند، منشأ تحولات اقتصادی و اجتماعی شدند که کارکرد آنها در دو وجه مثبت و منفی قابل بررسی است.

معنا و مفهوم سیورغال

سیورغال (ciurqal) واژه‌ای مغولی است که در اصل به حمایت، اقطاع و یا عطیه اطلاق می‌شد. اصطلاح سیورغامیشی در زمان ایلخانان نیز به معنای نوازش و هدیه بود. مفهوم سیورغال مقدار زمینی بود که سلطان به تابعان خود هدیه می‌کرد تا پشت در پشت از آن بهره گیرند. واگذاری سیورغال از زمان مغولان آغاز شده بود، اما در زمان تیموریان و پس از آن در میان ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلو شاهد افزایش این نوع واگذاری‌ها هستیم. صاحب سیورغال کاملاً از دادن مالیات معاف بود و دولت مرکزی از مداخله در امور دیوانی و قانونی او پرهیز می‌کرد و کارگزاران خود را نیز از هر نوع دخالت و حتی قدم گذاشتن به آن بر حذر می‌کردند.

عنوانی که در فرامین سیورغال برای جلوگیری از ورود ماموران حکومت مرکزی به اراضی سیورغال به کار می‌رفت، عبارت بود از: مرفوع القلم و مقطوع القدم به معنای قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و به این مفهوم بود که صاحب سیورغال از نظر دیوانی (قلم) و از نظر نظامی (قدم) استقلال داشت.

«و ایشان را معاف و مرفوع القلم دانند و قلم قدم از مواضع ملکی ایشان کوتاه و کشیده دارند و به هیچ وجه من‌الوجه در آن مدخل نسازند» (رک: پیوست شماره یک).

هنگام مرگ صاحب سیورغال اراضی تحت نفوذ وی به وارثان او می‌رسید در اکثر موارد انتقال با صدور فرمانی از سوی حاکم انجام می‌گرفت، اما این تمدید، صرفاً امری صوری بود و

به این معنا نبود که وارثان پیوسته نیازمند تأیید حاکم بودند. حقوق و مزایای سیورغال به سادگی قابل انتقال به وارث بود و این به مفهوم جاودانگی حکم سیورغال بود. «پس از سوگواری و تعزیت ولایاتی را که به سیورغال میرزا محمد جوکی مقرر بود به پسران وی کرامت فرمود» (واله اصفهانی، ۱۳۷۹: ۵۳۰).

اما گاهی به همین نقل و انتقالات نیز نیازی نبود، هنگامی که در فرمان سیورغال از اصطلاح «معافی و مسلمی و هودبری» استفاده می‌شد. «هودبری» اصطلاحی فارسی به معنای فایده بری بود و اگر در یک فرمان از این اصطلاح استفاده می‌شد نیازی به تمدید مجدد حکم سیورغال نبود: «تمامی سیورغالات را در دیوان هر سال حکم مجدد طلبیدی مگر آنکه به قید هود بری مقید بودی» (زمجی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۴۳۶).

صاحبان سیورغال را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: ۱- بزرگان لشکری که ترک بودند؛ ۲- بزرگان دیوانی یا اهل قلم؛ ۳- بزرگان محلی؛ ۴- روحانیون عالی مقام. روحانیون صاحبان سیورغال‌های کوچک و متوسط بودند، اما همیشه جزئی از افراد دریافت کننده محسوب می‌شدند (کمبریج، ۱۳۷۹: ۲۲۶).

بنابراین می‌توان گفت که سیورغال زمین مناسبی بود که شاه به دلایل مختلف از جمله پادشاه و حقوق و ... به افراد مختلف مانند سران نظامی و دیوانی و غیره واگذار می‌کرد. این واگذاری همراه با امتیازات ویژه‌ای همچون معافیت مالیاتی همراه بود و در دوره تیموری به‌ویژه پس از مرگ تیمور شکل اصلی زمین داری به حساب می‌آمد.

وجوه تمایز سیورغال با «اقطاع» و «معافیت مالیاتی»

سیورغال شکل تکامل یافته اقطاع بود، اما منافع صاحب سیورغال نسبت به منافع صاحب اقطاع بیشتر بود. صاحب اقطاع ملزم به پرداخت مالیات به دولت مرکزی بود البته گاهی نیز از پرداخت مالیات معاف می‌شد، اما صاحب سیورغال علاوه بر معافیت مالیاتی همیشگی از حق

معافیت قضایی و اداری نیز برخوردار بود تمام ماموران قلمرو سیورغال از طرف صاحب آن معین می‌شدند و فقط و فقط تابع او بودند. این در حالی بود که صاحب اقطاع چنین امتیازی را نداشت؛ علاوه بر این صاحب سیورغال ملزم نبود برای حکومت مرکزی سرباز تهیه کند، اما صاحب اقطاع مجبور بود در مواقع لازم برای حکومت، سرباز و تجهیزات جنگی بفرستد.

صاحب سیورغال حق رسمی داشت که از طرف خود قسمتی از اراضی را به تابعان و دست‌نشانندگان خود، به سیورغال ببخشد، اما صاحب اقطاع این حق را نداشت، اگرچه گاه این عمل را انجام می‌داد خصوصاً در مواقعی که حکومت مرکزی دچار ضعف بود.

فرامین سیورغال را با فرامین معافیت مالیاتی نیز نباید اشتباه گرفت. فرمان‌های معافیت مالیاتی فرامینی بودند که با نام «معافی» و «مسلمی» معروف بودند. این فرامین مفهومی کاملاً جدا از سیورغال دارند؛ در حالی که سیورغال مشمول قوانین مالیاتی می‌شود، در معافیت مالیاتی این امر صادق نیست. در یک فرمان معافیت مالیاتی نمی‌تواند از قوانین مالیاتی کم حق وصول مالیات‌ها را داشته باشد، صحبتی باشد. فرد مساعدت شده تنها از دادن مالیات معاف بود؛ از طرف دیگر معافیت مالیاتی نتیجه ضروری هر اعطای سیورغال است. صاحب سیورغال همیشه از پرداخت مالیات معاف است؛ در حالی که دارنده‌ی معافی و مسلمی منحصراً صاحب سیورغال یا ملک نبود؛ برای مثال اگر تاجری از مالیات معاف می‌شد، منظور معافیت از مالیات و عوارضی بود که از فعالیت خود تحصیل می‌کرد. وی به هیچ وجه هم‌زمان این حق را نخواهد داشت که خود مالیات اخذ کند (بوسه، ۱۳۶۷: ۱۶۷)؛ بنابراین سیورغال امتیازی متفاوت و والاتر از همه انواع امتیازات دوره تیموری محسوب می‌شود که صاحب آن را ثروتمندتر و قدرتمندتر از دیگر صاحب امتیازان قرار می‌داد.

امیر تیمور گورکان و مسئله سیورغال

تیمور پس از سه دهه جنگ و خونریزی توانست تمرکز سیاسی و دیکتاتوری نظامی را بر کشور مستولی کند و حکومت یکپارچه و قدرتمندی را تحت نفوذ خویش به وجود آورد. در حکومت تیمور عامل اصلی قدرت همان سلطان بود و تیمور انتظار وفاداری کامل و مستقیم از افرادش، نه نسبت به مقام و حکومتش، بلکه نسبت به شخص خود را داشت و هواداران او نیز همواره به او وفادار می ماندند (منز، ۱۳۷۷: ۱۵۱).

به گفته بثاتریس فوربز منز، واگذاری اراضی با سیاست تمرکزگرای تیمور همخوانی نداشت و در زمان وی کمتر سیورغالی بخشیده می شد، اما با وجود این تیمور اراضی زیادی را به رسم سیورغال با عناوین مختلف به سران لشکری و بزرگان خود بخشید.

– به عنوان پاداش برای اعمال جسورانه:

- ۱- «امیر صاحب قران از جسارت علی سدید در فتح خراسان خوش آمد و وی را به انواع سیورغالات و انعامات سرافراز گردانید» (نطنزی، ۱۳۳۶: ۳۱۸).
- ۲- «حضرت صاحبقران به ازای آن کار مردانه که از مبشر صدور یافت همان موضع گاوکرش را سیورغال او گردانید» (یزدی، ۱۳۳۶: ۴۹۳/۲).
- ۳- «بعد از جنگ ایشان را توشه داد و به وطن های خود فرستاد و برای ایشان سیورغال و حکم ترخانی فرمود» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۲/۶۷۵).

– به عنوان پاداش در برابر خدمات شایسته:

- ۱- «چون خدمات او از سر اخلاص بود عاطفت شاهانه شامل حال او گشته. اخلاط و ایل آنجا را به او سیورغال فرمود ویرلیغ داد» (یزدی، ۱۳۳۶: ۲/۷۱۳).

۲- «چون در ایشان آثار فرزاندگی و مردانگی مشاهده فرموده بود همه را به انواع تربیت و نوازش مخصوص داشته سیورغالات و انعامات پادشاهانه ارزانی داشت» (همان: ۴۶۵/۲).

- در برابر ابراز اطاعت و انقیاد حکام سابق شهرها و ولایات:

۱- «بعد از فتح بغداد سلطان صاحب‌قران ایلچیان با حضار سرداران دیار بکر و سالاران تراکمه آق قویونلو و قراقویونلو و سایر دیگر ترکمانان روان گردید بعضی که روی انقیاد به درگاه نهادند سیورغالات یافته ایل والوس ایشان مصون و محفوظ ماند» (نطنزی، ۱۳۳۶: ۳۵۸).

۲- «عاطفت خسروانه آن قلعه را به امیرعلی سیورغال فرمود واز آنجا بگذشت» (یزدی، ۱۳۳۶: ۶۹۳/۲).

۳- «حاکم سلماس و خوی کم به درگاه دولت روی آورد و سیورغال دریافت کرد» (نطنزی، ۱۳۳۶: ۳۳۵).

۴- «به جانب بیش کنت روان شد و آن ولایت را به انور عدل و احسان و امتنان آذین بست و اهالی آن مواضع که پیشتر از این آمده بودند و انقیاد نموده، سیورغال یافتند و ملحوظ نظر عنایت گشته و از خوف و هراس ایمن شدند و فرمان قضا جریان به نفاذ پیوست که لشکریان اصلاً متعرض ایشان نشوند و به کم و بیش ایشان زیان نرسانند» (یزدی، ۱۳۳۶: ۷۶۸/۲).

- به دلایل مصلحت آمیز، پاسخ هدایا و ... :

۱- «امرا لشکر و سرداران هر کشور به مبارک باد آن فتح نثارهای سنگین و سوغات‌های رنگین پیشکش او کردند و سلطان صاحب‌قران یک یک را به قدر کوچی کم داده بودند به سیورغالات و انعامات مخصوص گردانید» (نطنزی، ۱۳۳۶: ۳۵۸).

۲- «چون طوی بزرگ شد و تونکال و قولی و یاساق جار سال آینده مناسب مصلحت حال ملک و مملکت مستحکم شد و نسق امور مال و خراج مضبوط گردید هر کس را به قدر جرگه و موجه و مرتبه، سیورغال‌هایی بلیغ اولکاهای بزرگ تعیین کرد» (همان: ۲۹۲).

البته به نظر می‌رسد مفهوم سیورغال در همه موارد مذکور، به معنای اعطای زمین یا واگذاری منطقه نباشد و احتمالاً به معنای لطف و مرحمت به کار رفته باشند، اما در هر صورت نشان‌دهنده این نکته است که تیمور نیز اراضی و مناطقی را به سیورغال واگذار می‌کرد، اما این سیورغالات، کوچک و متوسط محسوب می‌شدند. تیمور از واگذاری سیورغالات بزرگ در حد ولایات خودداری می‌کرد. گاه سیورغالی که واگذار می‌کرد به کوچکی یک حرمسرا بود: «حرم شاهزاده شاهی ملک دختر امیر حاجی سیف‌الدین را به رسم سیورغال ارزانی داشت» (یزدی، ۱۳۳۶: ۱۱۷۳/۲).

اوج گیری سیورغال در دوره تیموری

واگذاری سیورغال در ابعاد گسترده از زمان شاهرخ آغاز شد. در فرامین سیورغالی تیمور نام شهرها و روستاهای کوچک دیده می‌شود، اما از زمان جانشین او شاهرخ اراضی وسیع تر، شهرهای بزرگ و گاه ولایات بزرگ به عنوان سیورغال بخشیده می‌شد. به عنوان نمونه به ولایات بزرگی که همراه توابع آن‌ها به رسم سیورغال توسط شاهرخ واگذار شد توجه کنید:

- «در سال ۸۱۷ هـ شهر طوس و مشهد و ایورد سنا سملقان جرمقان و خوبوشان استرآباد را با توابع و مفاضات به شاهزاده بایسنغر بهادرخان به صورت سیورغال واگذار کرد» (خوافی، ۱۳۳۹: ۲۱۹).

- «در سال ۸۱۸ هـ ایالت قم وکاشان وری با توابع و لواحق و مفاضات به امیراعظم خواجه بهادر بن امیر شیخ علی بهادر به عنوان سیورغال تفویض گردید» (همان: ۲۲۳).

- «در سال ۸۱۲ هـ سرزمین اوزکند (ماوراءالنهر) را به سیورغال به امیرزاده احمد میرک تفویض کرد» (همان: ۱۹۳).

شاهرخ گاه نیز روستاهای بزرگ و شهرهای متوسط را واگذار می‌کرد: - «در سال ۸۲۱ هـ قریه تفت به سیورغال به مرتضی مشارالیه مقرر گردید» (کاتب یزدی، ۱۳۴۵: ۲۱۷).

- «در سال ۸۳۸ هـ رادکان را به امیرزاده سیدی یوسف پسر شیخ علی بهادر به‌عنوان سیورغال واگذار کرد» (خوافی، ۱۳۳۹: ۲۷۹).

پس از شاهرخ نیز روند واگذاری سیورغال ادامه داشت. الغ بیگ برای دور کردن عبداللطیف از پایتخت، بلخ را به‌عنوان سیورغال به او بخشید و عبداللطیف از این فرصت برای کسب قدرت و تکاپو برای به‌دست آوردن سلطنت استفاده کرد (واله اصفهانی، ۱۳۷۹: ۵۱۴).

سیورغال در اواخر دوره‌ی تیموری

در دوره‌ی فرمانروایی سلطان ابوسعید نیز واگذاری سیورغالات رواج داشت. در فرامین سیورغالی ابوسعید بر موروثی بودن اراضی سیورغال تأکید می‌شد:

«به موجب فرمان واجب الاذعان ایالت سیستان بر شاه یحیی که از جمله ملک زادگان آن دیار بود تعلق گرفت و آن جناب به ملک موروثی خود شتافته امور دولت و اقبالش سمت استقامت پذیرفت» (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۸۰/۴).

نکته قابل توجه در مورد سیورغالات اواخر دوره تیموری، کاهش شدید این واگذاری‌ها نسبت به دوران شاهرخ و الغ بیگ است. بر اثر واگذاری اراضی مختلف درآمد خزانه مرکزی به شدت افت کرد. سلطان حسین بایقرا به همین دلیل دست به برخی اصلاحات تمرکزگرا زد (subtelny: 1988: 2).

با وجود این واگذاری سیورغال به‌عنوان یک رسم همچنان وجود داشت، اما این واگذاری بیشتر به وزیران ایرانی و طبقه روحانیون تعلق می‌گرفت:

«سلطان حسین بایقرا در رعایت جانب سادات عظام و علما اسلام و فضلا روزگار و شعرا بلاغت شعار هرگز تغافل ننمودی و در احجاج ملتسمات و وصول سیورغالات و انعامات این زمهری کریمه همواره احکام مطاعه مبذول فرمودی» (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱۱۱/۴).

نتایج واگذاری سیورغال‌ها برای صاحبان آن

نظام سیورغال به صاحب آن منافع و قدرت زیادی می‌داد. درآمد اراضی سیورغال کاملاً در اختیار او قرار می‌گرفت و از آنجا که معافیت کامل مالیاتی داشت، روز به روز ثروتمندتر می‌شد. با اینکه در فرمان معافیت مالیاتی به صاحب سیورغال تکلیف می‌شد که از رعایای تحت نظر خود، بیش از آنچه در فرمان آمده مالیاتی نستانند؛ اما آن‌ها به دلیل آزادی عمل دیوانی و قانونی که داشتند، اغلب این کار را انجام می‌دادند. صاحب سیورغال حق داشت برای هزینه‌های شخصی، میهمانی‌ها، جشن‌های خانوادگی، طوی‌های درباری و غیره مالیات اضافی یا عوارضات دریافت کند (تاکستن و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۰۱). مردمی که در اراضی سیورغال زندگی می‌کردند به‌طور کامل در اختیار صاحب آنجا بودند:

«آن قریه به سیورغال از اقطاع وارثان امیر حاجی گشت و تا غایت اهالی آنجا بارکش و کارگزار ایشانند» (یزدی، ۱۳۳۶: ۲/۲۱۸).

این موضوع به صاحب سیورغال این امکان را می‌داد که از وجود رعایا برای انجام کارهای شخصی، مثل ساخت باغ‌ها و قصرهای خود و همچنین کارهای عمومی مثل آبیاری و ساخت و تعمیر قنات‌ها و مساجد استفاده کند. برای مثال قطب‌الدین طاووس سمنانی وزیر، سلطان ابوسعید در زمان او برای تعمیر و راه‌اندازی جوی سلطانی برای آبیاری شمال هرات از وجود دویست‌تن روستایی به مدت دو سال استفاده کرد: «خواجه قطب‌الدین طاووس کمال توجه خاطر سلطان سعید را به جریان آن آب عذوبت مآب معلوم کرده بود. قرب دویست نفر برزیگر و چاهخو که هریک فرهاد صفت جوی در بیستون کندی و به نوک تیشه خارا مدت دو سال در

آن کار مشقت کشیدند» (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۳۸۶). صاحبان سیورغال با روش‌های مختلف به اخذ پول می‌پرداختند و اغلب این درآمد را در راه هزینه‌های شخصی صرف می‌کردند: «خواجه معزالدین مبلغی خطیر از آن وجوه را برای خاصه خود تصرف کرد» (همان: ۳۷۰). اما گاه درآمد خود را در راه منافع عمومی به کار می‌بستند. با ایجاد انهار و تعمیر قنوات به بهبود کشاورزی در مناطق خویش کمک می‌کردند: «حاجی یعقوب نورالله مرقدۀ بادگیر بزرگ و چاه خانه در زیر زمین که آب در آن جاریست ساخته» (کاتب یزدی، ۱۳۴۵: ۱۰۴).

از آنجا که اراضی سیورغال به طور کامل و موروئی در دست صاحبان آن بود، اغلب با تمایل خاطر و اطمینان به آبادانی آن می‌پرداختند چون این اقدامات در نهایت به نفع خود آنها بود. گاهی نیز صاحبان سیورغال مازاد درآمد خود را در راه‌های دیگری چون حمایت‌های هنری و فرهنگی صرف می‌کردند. امیر علیشیر نوایی که اراضی زیادی را از سلطان حسین بایقرا دریافت کرده بود به حمایت از نخبگان هنری و فرهنگی جامعه آن روز پرداخت کتاب *بدایع‌الوقایع* حاوی مطالب و داستان‌های زیادی در این مورد است (رک: *بدایع‌الوقایع* واصفی). بسیاری از زمین‌داران دیگر مانند پیراحمد بن اسحاق خوافی، جلال‌الدین فیروزشاه، گوهرشاد خاتون و دیگران به ساخت انواع بناهای عظیم ساختمانی و هنری دست زدند. برخی از سیورغال‌داران نیز اراضی خود را وقف می‌کردند. خواجه افضل‌الدین محمد سیورغالی را که از حسین بایقرا دریافت نمود، وقف مدرسه‌ای کرد که در هرات ساخته بود (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۴۴۰).

نتیجه‌گیری

روند تکامل نظام زمین‌داری در ایران از مالکیت سلطنتی به مالکیت اربابی، با مکانیزم روش تیول‌داری سیورغال و یا تیول‌داری دولتی انجام گرفت. سیورغال شرایط انتقال زمین‌های دولتی را به افراد فراهم ساخت. این نوع زمین‌داری جانشین این نظریه شد که «ملک از آن سلطان

است» این نظریه که قرون متمادی بر زمین‌داری ایران مسلط بود، همه اراضی را حق مسلم و قانونی پادشاه می‌دانست که از سوی خداوند به او رسیده بود، ولی با فروش و بخشش اراضی پادشاه، حق کارزمایی پادشاه در مورد املاک از میان رفت. دلایلی که شاه تیموری (شاهرخ) را وادار نمود از زمین‌هایی که قانوناً و به صورت خدادادی در تملک وی بود، چشم پوشی کند، توسعه کشاورزی و مناسبات اقتصادی بود.

حضور همیشگی دولت در امر زمین‌داری و کشاورزی ایران باعث عدم رشد قابل توجه محصولات کشاورزی و توسعه نیافتن مناسبات ارضی بود. با عنایت به این موضوع روند خصوصی‌سازی املاک به صورت مشروط توسط سلاجقه با اعمال روش اقطاع آغاز شد، اما نقطه‌ی عطف این روند را در سیورغالات دوره‌ی تیموریان و ترکمانان مشاهده می‌کنیم.

اما نظام سیورغال همه انتظارات را برآورده نکرد، با توجه به مطالب ذکر شده در مقاله نتایج عملی سیورغال‌ها به این صورت است:

- عادی شدن کاریزما؛ خارج شدن املاک از دست شاه و رفتن آن‌ها در تسلط افراد معمولی، به مرور این تفکر را ایجاد نمود که این حق الهی کاست مانند، غیر قابل نفوذ و تغییر نیست، بلکه این حق قابل تفویض و انتقال به غیر نیز است.

- خالی شدن خزانه عامره؛ از نتایج اولیه و مستقیم واگذاری سیورغالات از دست‌رفتن مالیات‌های ارضی بود که یکی از راه‌های اصلی درآمدهای دولت در همه ادوار محسوب می‌شود این مالیات‌ها اینک به جای رفتن به خزانه سلطنتی به جیب صاحبان سیورغال می‌رفت.

- شکل‌گیری یک طبقه ثروتمند؛ صاحبان املاک و سیورغالات، علاوه بر اینکه از دادن مالیات معاف بودند، می‌توانستند خود به جمع‌آوری مالیات از مناطق تحت نفوذ خود، بپردازند. از این رو در طول مدت کوتاهی طبقه‌ای از افراد ثروتمند و قدرتمند که دارای نیروی نظامی نیز بودند، شکل گرفت.

- توسعه فعالیت‌های کشاورزی؛ برخی از صاحبان سیورغال درآمدهای خود را صرف فعالیت‌های کشاورزی، توسعه انهار و قنوات نمودند و در برخی از اراضی سیورغال شاهد بالا رفتن کیفیت و تنوع محصولات کشاورزی در اواخر عصر تیموری هستیم.

- حمایت‌های فرهنگی و هنری؛ توسعه کشاورزی مورد توجه تعداد کمی از صاحبان سیورغال قرار گرفت. در مقابل اکثر این صاحبان از روی تظاهر و تفاخر و در رقابت با شاهان و شاهزادگان تیموری به حمایت از شعرا و تجلیل از نویسندگان، موسیقی‌دانان، دانشمندان، خطاطان و دیگران پرداختند و دربارهای خود را به محل تجمع افراد فرهیخته تبدیل کردند. از این رو، شاهد گسترش چشمگیر فعالیت‌های هنری و فرهنگی در عصر تیموری است.

- نارضایتی روستاییان؛ مالکیت غیابی اراضی، افزایش مالیات‌های ارضی، عدم توجه به مسائل دهقانان از سوی صاحبان املاک و بیگاری کشیدن از روستاییان، باعث فقر روستاییان، سوءتغذیه و شیوع بیماری میان آنان گردید نارضایتی روستاییان از نظام سیورغال به شکل شورش‌های گاه و بیگاه آنان در قالب تشکل‌های صوفیانه خود را نشان داد.

منابع و مأخذ

- بوسه، هربریت (۱۳۶۷). *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی*. ترجمه غلامرضا وره‌رام. تهران: مؤسسه مطالعات تحقیقات فرهنگی.
- تاکستن و دیگران (۱۳۸۴). *تیموریان*. ترجمه و تدوین یعقوب آرند. تهران: مولی.
- حافظ ابرو (۱۳۸۰). *زبده التواریخ*. تصحیح سید کمال حاج سید جوادی. ۲ ج. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خوافی، فصیح احمد بن جلال‌الدین محمد (۱۳۴۱). *مجمعل فصیحی*. تصحیح محمود فرخ. مشهد: باستان.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد الدین (۱۳۳۳). *تاریخ حبیب‌السیر*. ۴ ج. تهران: خیام.
- _____ (۱۳۱۷). *دستور الوزراء*. تصحیح سعید نفیسی. تهران: اقبال.

- زمجی اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۹). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*. تصحیح محمدکاظم امام. ۲ ج. تهران: دانشگاه تهران.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین (۱۳۴۵). *تاریخ جدید یزد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: دانشگاه تهران.
- کمبریج (۱۳۷۹). *تاریخ تیموریان*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی.
- منز، بناتریس فوربز (۱۳۷۷). *برآمدن و فرمانروایی تیمور*. ترجمه منصور صفت‌گل. تهران: رسا.
- نطنزی، معین‌الدین (۱۳۳۶). *منتخب التواریخ*. تصحیح ژان اوب. تهران: خیام.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۰). *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران*. تهران: علمی و فرهنگی.
- واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۷۹). *خلد برین*. تصحیح و تعلیق محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۳۶). *ظفرنامه*. تصحیح محمد عباسی. ۲ ج. تهران: امیرکبیر.
- subtelný, Maria Eva (1988). *Centralizing reform and its opponente in the late Timurid period*. Iranian Study XXI nos1-2

نشان سیورغال که جهت اولاد حضرت قطب الاقطاب

سلطان ابو سعید ابی الخیر نوشته اند

الحمد لله الذي جعلنا من امت حبيبه محمد خاتم الانبياء وجعلنا على حسن الارادة
لعموم خواصه و كافة اوليائه و نشكره بذلك شكر المنقطع عما سواه فانه «هدانا لهذا
وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله»^۱.

تا آفتاب دولت جهانگیر ما از افق سروری و شرق نیک اختری طلوع کرده ،
اشعه لمعات بارقات او دراضاعت و اشراق اطباق مشرفات این نیلگون درواقرا از خورشید
عالم افروز مستغنی گردانید، حقا که آن را از یرتو التفات دلهای پر نور اهل ذوق و حضور
و اهتمام بواطن معمور اهل بسط و سرور دانسته ایم و پیوسته این معنی را وسیله سلوک
جاده نجات و ترقی بمعارج درجات شمرده
باماه گفتم کاین همه حسن از کجا آورده ای؟

گفتا ز خاک پای او مالیده ام بر روی خود

والحمد لله تعالى محبت این طایفه نامدار و ارادت این فرقه بزرگوار که ملوک
تخت اطهار عبارت ازیشان است در سویداء دل بنوعی متمکن است که تا انقرض ادوار
و انقطاع سلاسل لیل و نهار تغییر پذیر نیست و از اجله قدمات این قوم حضرت سلطان-
الطریقه ، کاشف اسرار الحقیقه ، سالک مسالك التحقیق ، مالک ممالک التوفیق ، قدوة
ارباب الملوک و السیر و المشتغل بالله عن الغير ، الشیخ ابو سعید بن ابی الخیر قدس سره
است که همواره نهال ارادت آن خاندان مقدس و دودمان اقدس براب جو بیار اخلاص

در نشوونماست بلکه بصفت «اصلها ثابت وفرعها فی السماء» است .

درین ایام که عالی جناب شیخ الاسلام الاعظم، افتخار المشایخ فی العالم، خلف السلف الکرام بالاستحقاق خواجه شمس الحق و الحقیقه و الدین مؤید بزرگ ادام الله تعالی میامن انفاسه الشریفة الی یوم الدین و برادر ایشان شیخ الاسلام الاعظم سلالة الاکابر فی العالم، صاحب الیقین القدسیة و الکمالات الانسیة خواجه شهاب الدین عبداللہ زیدت فضائله که از اولاد واحفاد آن مقتدای اقطاب و اوتادند، بدرگاه گیتی پناه آمدند و آثار صلاح و سداد و علامات رشد و رشاد از صفحات احوال و اطوار ایشان مشاهد و معاین گشت و بحضور ایشان مواد اربتیاح و ابتهاج^۲ بحصول پیوست . راستی آنکه موجب ازدیاد^۳ معتقدانه و سبب مزید عنایات و مرحمت پادشاهانه شدند چنانکه بعرض همایون رسانیدند که بواسطه تفرقه روزگار و بی رونقی آستان بزرگوار و بحسب مطالبت بسیار از مقر اصلی و مرکز حقیقی، جناب شیخ الاسلام شمساً مؤیداً جلاً اختیار کرده و خاطر بر مضمون الفرار مما لایطاق^۴ قرار یافته، بغایت غریب و عجیب نمود. چون عنایت بی غایت شامل حال ایشان بود، این حکم همایون نفعه الله تعالی فی مشارق الارض و مغاربها در قلم آمد تا بعد الیوم یک دینار و یک من بار از ایشان و کلاء ایشان نستانند و نطلبند و فرامین مطاعه که در باب سیورغال ایشان، وقفی و ملکی، درین مدت بنفاذ پیوسته، بامضاء همایون مقرون گشته، معتبر شناسند و از کل مؤنات و تکالیف مالی و لشکری و خارجی و علمداری و ساوری و پیشکش حکمی و غیر حکمی نطلبند و اگر ازین جانب چیزی گرفته باشند باز گردانند. سادات و داروغه و ائمه و اشراف و عمال و مباشران ولایت اییورد باید که بموجب فرامین مطاعه^۵ [۵] تقدیم رسانند و ایشان را معاف و مرفوع القلم دانند

وقلم و قدم از مواضع ملکی ایشان کوتاه و کشیده دارند بهیچ وجه من الوجوه در آن مدخل نسازند و منصب شیخی و تولیت اوقاف خانقاه شیخ بزرگوار را برقرار سابق مفوض بجناب شیخ الاسلامی الاعظم شهاب الدین عبدالله شناسند و هیچ آفریده را با او مجال مشارکت و مداخلت ندهند و حق التولیه بدستور سابق مقرر دارند و چون جناب شیخ الاسلام خواجه شمس الدین مؤید ، ادام الله برکات انفاسه الشریفة ، تولیت خانقاه را بر برادر خود شیخ شهاب الدین عبدالله مسلم داشته و در میان این مهمات مدخل نمیسازد، هیچ آفریده مشوش احوال ایشان نشود تا از سر فراغت بطاعت و عبادت مشغول توانند بود ، جماعت که خدایان و مزارعان آستانه مبارک را مکرمدارند و بقابضی و خواجه نویسی و غیره مزاحم نشوند و از شکایت محترز باشند و خلاف فرمان همایون نکنند و تقصیر نفرمایند*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی